

جرج سارتن می گوید: تمدن اسلامی نتیجه پیوند جوانه نیرومند عرب بر روی درخت تناور تمدن ایرانی بود و راز نیرومندی عجیب و تحول ملکات و فضایل آن در همین مطلب نهفته است.

بی شک ابوعلی سینا ثمره ای ارزنده از این درخت تناور و جلوه ای بارز از نقش ایرانیان در اعتلای تمدن اسلامی است. وی نه تنها اعتباری برای تمدن ایرانی و اسلامی، بلکه چهره ای تابناک در تاریخ تمدن جهان به شمار می رود. به دلیل احاطه ابن سینا بر دانشهای مختلف و تاثیر وی در متفکران و دانشمندان پس از خود - که حیطه آن به جز قلمرو اسلام، اروپا را نیز در بر گرفته بود - از او در غرب به عنوان نامدارترین دانشمند اسلامی یاد می شود.

اینک در میان دانشمندان اسلامی، کسانی که ممکن است در اروپا با ابن سینا رقابت کنند، می توان از الکندی و محمدبن زکریای رازی نام برد. اما الکندی تنها حکیم و زکریای رازی پزشک بوده است و هیچ یک مانند ابن سینا در زمینه های مختلف صاحب نام نبوده اند.

شیخ الرئیس، ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله حسن بن علی بن سینا، معروف به ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری قمری در دهی به نام خورمیشن در نزدیکی بخارا چشم به جهان گشود. شرکت در جلسات بحث اسماعیلیان از دوران کودکی، به واسطه پدر - که از پیروان آنها بود - ابوعلی را خیلی زود با مباحث و دانش های مختلف زمان خود آشنا ساخت. استعداد وی در فراگیری علوم، پدر را بر آن داشت تا به توصیه یکی از استادان وی، ابوعلی را به جز تعلیم و دانش اندوزی به کار دیگری مشغول نکند. و چنین شد که وی به دلیل نبوغ خود در ابتدای جوانی در علوم مختلف زمان خود از جمله طب مهارت یافت. تا آنجا که پادشاه بخارا، نوح بن منصور (حکومت از ۳۶۶ تا ۳۸۷ هجری قمری) به علت بیماری، وی را به نزد خود خواند و ابن سینا از این راه به کتابخانه عظیم دربار سامانی دست یافت. وی در شرح حالی که خود نگاشته است درباره منابع آن کتابخانه خود می گوید:

هر چه از آنها را که بدان نیاز داشتم خواستم و کتاب هایی یافتیم که نام آنها به بسیاری از مردم نرسیده بود و من هم پیش از آن ندیده بودم و پس از آن هم ندیدم. پس این کتاب ها را خواندم و از آنها سود برداشتم و اندازه هر مردی را در دانش دریافتم و چون به سن هجده سالگی رسیدم، از همه این دانش ها فارغ آمدم.

به این ترتیب وی در علوم مختلف از جمله حکمت، منطق و ریاضیات - که خود شامل عدد، هندسه، نجوم و موسیقی است - تسلط یافت.

وی با وجود پرداختن به کار سیاست در دربار منصور، پادشاه سامانی و دستیابی مقام وزارت ابوطاهر شمس الدوله دیلمی و نیز درگیر شدن با مشکلات ناشی از کشمکش امرا - که سفرهای متعدد و حبس چند ماهه وی توسط تاج الملک، حاکم همدان، را به دنبال داشت - بیش از صدها جلد کتاب و تعداد بسیاری رساله نگاشته که هر یک با توجه به زمان و احوال او به رشته تحریر در آمده است. وقتی در دربار امیر بود و آسایش کافی داشت و دسترسی اش به کتب میسر بود، به نوشتن کتاب قانون در پزشکی، یا دائره المعارف بزرگ فلسفی خود کتاب شفا مشغول می شد. اما در هنگام سفر فقط یادداشت ها و رساله های کوچک می نگاشت. در زندان به نظم اشعار می پرداخت و یا تاملات دینی را با اسلوبی که خالی از جمال نباشد مقید می نمود. از میان تالیفات ابن سینا، شفا در فلسفه و قانون در پزشکی شهرتی جهانی یافته است. کتاب شفا در هجده جلد در بخش های علوم و فلسفه، یعنی منطق، ریاضی، طبیعیات و الاهیات نوشته شده است. منطق شفا امروز نیز همچنان به عنوان یکی از معتبرترین کتب منطق اسلامی مطرح است و طبیعیات و الاهیات آن هنوز مورد توجه علاقمندان است. کتاب قانون نیز - که تا قرن ها از مهمترین کتب پزشکی به شمار می رفت - شامل مطالبی درباره قوانین کلی طب، داروهای ترکیبی و غیر ترکیبی و امراض مختلف می باشد. این کتاب در قرن دوازدهم میلادی همراه با آغاز نهضت ترجمه به زبانهای لاتین ترجمه شد و تا امروز به زبان های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی نیز برگردانده شده است. قانون - که مجموعه مدونی از کل دانش طبی باستانی و اسلامی است - به عنوان متن درسی پزشکی در دانشگاه های اروپایی مورد استفاده قرار می گرفت و تا سال ۱۶۵۰ میلادی در کنار آثار جالینوس و موندینو در دانشگاه های لوون و مون پلیه تدریس می شد.

ابن سینا در زمینه های مختلف علمی نیز اقداماتی ارزنده به عمل آورده است. او اقلیدس را ترجمه کرد. رصدهای نجومی را به عمل درآورد و اسبابی نظیر ورنیه کنونی ابداع نمود. در زمینه حرکت، نیرو، فضای بی هوا (خلا)، نور، حرارت و چگالی تحقیقات ابتکاری داشت. رساله وی درباره کانی ها یا مواد معدنی تا قرن سیزدهم در اروپا مهمترین مرجع علم زمین شناسی بود.

درباره این رساله فیگینه در کتاب دانشمندان قرون وسطی چنین آورده است: ابن سینا رساله ای دارد که اسم لاتین آن چنین است: *De Conglutinatione Lagibum*. در این رساله فصلی است به نام اصل کوه ها که بسیار جالب توجه است. در آنجا ابن سینا می گوید: ممکن است کوه ها به دو علت به وجود آمده باشند. یکی برآمدن قشر زمین. چنان که در زمین لرزه های سخت واقع می شود و دیگر جریان آب که برای یافتن مجرا، سبب حفر دره ها و در عین حال سبب برجستگی زمین

می شود. زیرا بعضی از زمین ها نرم هستند و بعضی سخت. آب و باد قسمتی را می برند و قسمتی را باقی می گذارند. این است علت برخی از برجستگی های زمین.

ابن سینا به واسطه عقل منطقی و نظام یافته اش - که حتی در طب نیز تلاش داشت مداوا را تا سرحد امکان تابع قواعد ریاضی سازد - تسلط بر فلسفه را کمال برای یک دانشمند می دانست. وی برای آگاهی از اندیشه های ارسطو و درک دقیق آن، آن گونه که خود در شرح احوالش نوشته است، ۴۰ بار کتاب مابعدالطبیعه را خواند و در نهایت با استفاده از شرحی که ابونصر فارابی درباره آن کتاب نوشته بود، به معانی آن راه یافت. بوعلی در دوران عمر خود از لحاظ عقاید فلسفی دو دوره مهم را طی کرد. اول دوره ای که پیرو فلسفه مشاء و شارح عقاید و معارف ارسطو بود و دوم دوره ای که از آن عقاید عدول کرد و به قول خودش طرفدار حکمت مشرقین و پیرو مکتب اشراق شد.

وی به پشتوانه تلاش یک صد ساله ای که پیش از او از سوی کسانی همچون الکندی و فارابی برای شکل گیری فلسفه اسلامی صورت گرفته بود، موفق شد نظام فلسفی منسجمی را ارائه دهد. با توجه به این که پیش از او مقدمات این کار فراهم شده بود، کار و وظیفه ابن سینا این بود که مشکلات و پیچیدگی ها را کشف و حل کند و آنها را به نحوی مضبوط و موجز شرح نماید. فروع جزئی را به تصول شامل ارتباط دهد و اطراف آن را به هم بیاورد.

او با ارائه نظر خود در مورد نحوه ارتباط و نسبت بین مفاهیم کلی مثل انسان، فضیلت و جزئیات حقیقی به یکی از پرسشهای علمای قرون وسطی - که مدت های طولانی ذهن آنها را به خود مشغول کرده بود - پاسخ داد. تاثیر آرای فلسفی ابن سینا، همچون آموزه های طبی او، به جز در قلمرو اسلامی، در اروپا نیز امری قطعی است. آلبرتوس ماگنوس، دانشمند آلمانی فرقه دومینیکی (۱۲۰۰ تا ۱۲۸۰ میلادی) نخستین کسی بود که در غرب تفسیر و شرح جامعی بر فلسفه ارسطو نوشت. به همین دلیل اغلب او را پایه گذار اصلی ارسطوگرایی مسیحی می دانند. وی که جهان مسیحیت را با سنت ارسطویی الفت داد، در شناخت آثار ارسطو سخت به ابن سینا متکی بود.

همچنین فلسفه ما بعد الطبیعه ابن سینا، خلاصه مطالبی است که متفکران لاتینی دو قرن بعد از او بدان رسیدند و توانستند مذاهب مختلف فلسفی را در فلسفه مدرسی هماهنگ کنند.

ابوعلی سینا در سال ۴۲۸ هجری قمری، زمانی که تنها ۵۸ سال داشت، در حالی رخت از جهان بریست که با ادای دین خود به دانش بشری، نامی به صلابت تمدن ایرانی از خود به جای گذاشت.